

مواد رفع خواهد شد و در اساس این قانون هم که کسی مخالف نیست .

بنابر این بنده معتقدم که مذاکرات در کلیات کافی باشد و داخل شویم در شور مواد در ماده اول هم که این اساس مطالب است هر قدر می‌خواهد تصحیح کنند و پیشنهاد بفرمایند دیگر بسته است بمیل آقایان .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم .

رئیس - بفرمائید .

حاج میرزا عبدالوهاب - این قانون خیلی اهمیت دارد بخصوص ماده اولش که فوق العاده قابل دقت است در ماده اول هم همینطور مثل کلیات خواهند گفت مذاکرات کافی است در پیشنهادات هم که رأی داده نمی‌شود همینقدر خوانده میشود و میرود بکمسیون و اکثریت نسبی کمسیون هم با آنهایی است که میخواهند این قانون بگذرد چون آن روزی که در کمسیون رأی داده شد پنج نفر از نه نفر رأی دادند که اکثریت نسبی بود .

بالاخره این قانون همینطور تحمیل به اهالی این مملکت میشود در حالتیکه خیلی ایرادات هست که باید گفته شود و موافق و مخالف یکان یکان مطالب خود را بگویند بعد البته بسته بحکمیت اکثریت مجلس است و اگر نشاود که بکفایت مذاکرات رأی گرفته شود آنوقت اسباب زحمت برای آتی مملکت خواهد شد بنابر این بنده عقیده دارم که باید موافق و مخالف عقاید خودشان را بگویند بعد رأی گرفته شود .

رئیس - رأی میگیریم .

آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد .

بقیه مذاکرات را اگر اجازه بفرمائید بماند برای روز سه شنبه

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

(مجلس موقع ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملك
منشی - معظم السلطان
منشی - علی اقبال الممالک

جلسه ۱۲۵۵

صورت مشروح مجلس

یوم سه شنبه بیست و یکم

دلو هزار و سیصد و سه

مطابق شانزدهم شهر

رجب یک هزار و سیصد و

چهل و سه

مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس یکشنبه نوزدهم)

دلو را آقای اقبال الممالک قرائت نمودند

رئیس - آقای کاشانی (اجازه)

آقا میرزا سید حسن کاشانی - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم .

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - نسبت بصورت مجلس گویا ایرادی نیست ؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای کاشانی (اجازه)

آقا میرزا سید حسن کاشانی -

حالا که قانون میزبانی مطرح است خوب است از طرف وزارت مالیه يك نماینده اینجا باشد .

پریروز آقای مخبر فرمودند که در کاشان مالیات را از ارباب ورعیت می گیرند در صورتی که اینطور نیست هر چه گرفته می شود از ارباب گرفته می شود و از رعیت چیزی نمیگیرند بخودشان هم عرض کردم ایشانهم فرمودند خوب است از طرف وزارت مالیه يك نفر نماینده اینجا باشد این است که خواستم تقاضا کنم حالا که قانون میزبانی مطرح است اطلاع بدهند يك نفر نماینده از طرف وزارت مالیه در مجلس حاضر باشد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرضی که می خواهم بکنم در مقام ترمیم نیست که بخواهم اثباتی برای خود و نفی از دیگران کرده باشم .

مسلم است هر يك از آقایان نمایندگان که يك پیشنهادی را از امضاء می کنند تا مدرك و جهت آن را نفهمند البته امضاء نخواهند کرد .

آقایان نمایندگان ولایات راجع بمواد بلدی و شهری يك پیشنهادی کرده بودند بنده هم امضاء کردم .

بنده نمی خواهم به آقای عماد السلطنه حمله کنم ولی چون پریروز چیزی فرمودند بنده می خواهم از عقیده خودم دفاع بکنم .

این دفاع از دو جهت است یکی اینکه بودجه را وزارت مالیه مشغول است می نویسد و می آورد بمجلس شاید تکلیف معلوم باشد .

یکم اینکه چون بنده هم امضاء کرده ام والیته سایر آقایان هم که امضاء کرده اند از عقیده خودشان دفاع خواهند کرد عقیده ما این است که عوائد بلدی هر شهری که اهالی آن شهر برای نظیف و آبادانی شهر می دهند نباید بمصرف دیگری برسد والیته آقای عماد السلطنه هم تصدیق نمی کنند که عوائد بلدی اصفهان را بیاورند بمصرف شهریه بگیرهای طهران یا جای دیگر برسانند .

البته عوائد بلدی هر محل باید بمصرف خودش برسد .

این پیشنهادی هم که کرده ایم چیز زیادی بر بودجه نیست .

صد و هشتاد هزار تومان عوائد بلدی است ما پیشنهاد کرده ایم بمصرف آبادی شهرها برسد امیدوارم خداوند موفق بدارد تا بودجه که بمجلس می آید در این خصوص باجدیتی که دارم دفاع کنم تا شاید شهرها هم از حقوق خودشان استفاده کنند .

راجع بمعارف هم که پیشنهاد شده است بواسطه خاطر این است که بقدری در این مجلس پیشنهاد صحبت راجع بمعارف و صحیه شده است بنده می گویم تمام آن اظهارات مطابق با واقع است . آقای افشار و شاهزاده شیخ الرئیس يك پیشنهادی کرده اند بجهت برداشتن قدمهایی برای معارف و صحیه که در بودجه سال بعد نگاه کنیم و ببینیم چه اندازه از آن را می توانیم صرف معارف و صحیه کنیم و در منزل آقای قائم مقام تبریزی چهل پنجاه نفر از آقایان نمایندگان ولایات آن پیشنهاد را امضاء کرده اند .

البته مطابق قانون اساسی نظر در وضع و خرج مالیات حق و کلاست و فقیران نمایندگان کسی نمیتواند این کار را بکند .

مانظر کردیم دیدیم ترقی مملکت در توسعه معارف و صحیه مملکت است و ما مطابق این عقیده آن پیشنهاد را امضاء کردیم و البته تعقیب هم می کنیم حالا آقای عماد السلطنه می گویند عملی نمی شود .

بنده عرض می کنم اگر بنده و جنابعالی و سایر آقایان تعقیب کنند البته عملی می شود .

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی - بدو عرض می کنم عرایض بنده متوجه رئیس کل مالیه نیست زیرا بنده معتقدم باینکه وجود آقایان

امر یکسانی ها اسباب يك اصلاحاتی مملکت ما خواهد بود و نهایت اطمینان را هم بصحت عمل آنها دارم

شکایات بیشتر متوجه است بمأمورین مالیات و نظریات آنها که برای حس تجلی و تسخیر خدمت تحمیلاتی برخلاف قانون بر مردم میکنند .

ممکن است رئیس کل مالیه هم اطلاع نداشته باشد .

من جمله درسی سال قبل در دامغان ممیزی شد برای قیام دامغان هفت تومان و دو قران جزو جمع بوده است و این تریس معمول بود تا یک سال .

پارسال یکی از امثالی مالیه برای کردن عایدات و برای اینکه حسن خرج داده باشد مالیات قیام را بجز گذاشت که اجازه دهد .

این ترتیب عملی نشد تا ده پانزده قبل امین مالیه مأمور گذاشته است دروازه و از هر باری ده شاهی و يك قران باختلاف مالیات میگیرند و هفت تومان قران مالیات قیام که سابقا ممیزی بوده است تبدیل شده است بینج هم تومان بدون اینکه هیچ نظری داشته که مجلس این مالیات را تصویب کرده نکرده .

الان هم هفت هشت روز است که دامغان تعطیل عمومی است و همه در تلگراف خانه متحصن شده اند و هر چه شکایت میکنند یا آنها جواب داده نمیشود والیته معلوم است آخر الدواء و مرجع امیدواری هم شورای ملی است .

شکایات هم که بمجلس میرسند بکمسیون عرایض هم جوابهای فرمالیته میدهد اقدام شده یا میشود و نتیجه را اطلاع دهم .

بنده می خواهم از کمسیون تجدیدنظر در نظام نامه داخلی تقاضا کنم که اختیار کمسیون عرایض را بیش از این قرار دهند که بتوانند داخل عمل شود و رسیدگی کنند .

یا اقلا (باز عرض سابق خودم را تکرار میکنم) انجمن های ایالتی و ولایتی را تشکیلات دهند تا این که مردم از این کشمکش و اشکالات خلاص شوند و در اختلافاتی بین مردم و مأمورین دولت پیدا میشود قضاوت کنند .

يك مثال دیگر:

قضیه این است که در دامغان يك دهی است که هیچ خانوار نداشته است که مجلس مالیات خانواری را رد کرده است مالیات خانواری هذلسنه را مطالبه نمی کنند .

ولی شش سال خانواری سابق را مطالبه میکنند که تقریبا هزار و پانصد تومان میشود در صورتی که آنها بنهایت فقیر و پریشانند و هیچ چیز ندارند قریب چهارصد

بناشد خانوار از زن و مرد آمده اند بدامغان در تلگرافخانه متحصن شده اند و میخواهند مسافرت کنند بطرف مازندران و هیچ جواب مؤثری هم بآنها داده نشده و داده نخواهد داد.

بعضی از نمایندگان - وارد دستور شویم.

وزیر نخست و تلگراف - اجازه می فرمایند آقای شکوه الملک را بمعاونت وزارت پست و تلگراف معرفی میکنم.

رئیس - قبل از اینکه وارد دستور شویم برای اطلاع خاطر آقایان عرض می کنم بودجه تفصیلی وزارت امور خارجه و ریاست وزراء راجع به آن رسیده است لایحه قانون ممیزی مطرح است.

آقای مشار اعظم - (اجازه)

مشار اعظم - بر بنده شبهه نیست که آقایان محترم نمایندگان در کلیه مسائلی که مطرح مذاکره در مجلس شورای ملی واقع میشود اعم از اینکه پیش نهاد کننده آن لوائح و مطالب و مسائل دولت باشد یا بعضی از آقایان نمایندگان باشند.

هیچوقت در آنها بدون مطالعه و دقت اظهار نظر نمیکنند و البته باید همینطور هم باشد و لازمه حزم و احتیاط در مسائل مهمه مخصوصاً مسائلی که در امور مملکتی مؤثر هستند این است که در آنها یک مطالعات و دقتهای عمیق و کافی بشود و بنده یقین دارم که قسمت عمده از آقایان نمایندگان هم نسبت به همین موضوع قانون ممیزی اطلاعات کافی دارند.

چه اطلاعات مجلی و چه اطلاعاتی که بانواع دیگر تحصیل فرموده اند ولی برای اینکه این قضیه بهتر روشن شده باشد بنده هم نظر به ضرورتی که در کمیسیون قوانین مالیه داشتیم تحصیل اطلاعاتی کرده ام و خودم هم اطلاعاتی داشتم که بر آنها ضمیمه شده است و لازم میدانم که بعرض نمایندگان محترم برسانم.

که در موضوع وضع این قانون حقیقتاً وری عمل شده باشد که هم صرفه دولت از جهت جمع آوری مالیات بعمل آمده باشد هم مردمی که بایستی این مالیات را ادا کنند در عسرت و زحمت فوق العاده نباشند.

اینجا قبل از اینکه بعرض توضیحات بپردازم میخواهم بنمایندگان محترم عرض کنم.

که اگر در مملکت مایاره حوائج مفقود است و وسائلش موجود نشده اینترانی شود راه یک دسته یسا یک طبقه مخصوص است.

طبقات مردم ایران عموماً بواسطه اطلاع باوضاع عالم برای ترقیات و تکامل مردمی هر کدام در حد خودشان قصور میکنند و این قصور هم بواسطه بی اطلاعی

بوده است تاجر • کاسب • فلاح • زارع و سایر طبقات و حالاً شاید بعضی طبقات تقصیرشان بیشتر بوده است که عجب التماساً مورد بحث نیست

ولی هر کس باندازه خودش قصور کرده است

و از این عرض میخوام اینطور نتیجه بگیریم که اگر در قسمت های مختلفه مملکت ملاحظه می شود که

اوضاع رعیتی خوب نیست و رعایای آن وضعیت خوبی را که باید داشته باشند ندارند.

این مسئله مربوط بانهایی نیست که اداره امور رعایا و ملکیت را عهده دارند برای اینکه خود آنها هم بواسطه فقدان باره وسائل در زحمت هستند و بواسطه فقدان باره مؤسسات در عسرتند.

همانطور که ملاحظه میکنید یک رعیت بواسطه عدم وجود شرایط صحیح در زحمت است

البته همانطور هم یک مالکی که از دسترس بوسایل صحیح دور است در همان خطرات می افتد

زیرا اساساً وسایل در نقاط مملکت بطور کامل تهیه نشده است

فقط در این طهران است که میبینیم در کوچه ها و معابر تابلوهای اطباء با ألوان مختلف جلوه میکند

ولی وقتی که جای دیگر برویم اینها نیست

فوق نمیکنند رعیت هم بمرض مشمشه مبتلی می شود ارباب هم مبتلی می شود در اینجا تفاوتی بین آنها نیست و هر دو مساوی هستند.

بنابراین میخوام عرض کنم که اینجا گناهی متوجه بر ارباب نیست و نمی شود گفت چرا یک ارباب ملککی که یک قطعه زمین داشته است نتوانسته است وسائل صحیح را در آنجا فراهم کند.

جامعه عموماً در این قضیه گناهکارند اختصاص یک طبقه مخصوصی ندارد.

یک موضوع دیگری را که باید بعرض نمایندگان محترم برسانم

این است که در ایران اگر یک خدماتی از نقطه نظر اقتصادی و ترقیات در مملکت می شود همان خدمتی است که فلاحین می کنند.

رعایای زارعین فلاحین هر کدام به هم خودشان در این امر مراقبت دارند و تنها آنها در امور مملکتی خدمت گزار هستند و فوائد ارضی ما را آن ها تحصیل میکنند.

زیرا اصلاً مملکت ما یک مملکت فلاحتی است و قسمت اعظم صادرات و محصولات ما را آنها بعمل می آورند.

چنانچه در گیلان و مازندران و

آذربایجان و قسمت عمده خراسان و هم چنین قسمت بنادر و کرمانشاهان همیشه حاصل ارضی جزو صادرات می رفته و از این باب فایده عمده تحصیل میکنند و خدمت واقعی را این دسته میکنند و الا شما نمی توانید حقیقتاً یک تاجری پیدا کنید که از این طریق یک خدمات مهمی باین مملکت کرده باشد و تازه این حسن در این مملکت شدیداً پیدا شده است که نوع تجارت هم طوری باشد که مفید بعالم مملکت باشد و باید از واردات کاست و بر صادرات افزود و این رویه را هم از بین تجار مملکت که یکی از عناصر مهم هستند میخواهند شروع کنند.

ولی تا بحال سابقه نداشته و آنچه سابقه داشته است

این خدمت اساساً بواسطه فلاحین بعمل آمده و الا تجار اشخاصی نبوده اند که بتوانند کار خانجانی در این مملکت تأسیس کنند که از آن یک حاصلی بدست بیاید که آن حاصل در بازار دنیا بفروش برسد و برای ما سرمایه هائی جمع کند.

این نکته را هم باید متوجه بود که عایدی و منفعتی که از یک زمین یا از یک تجارت بدست می آید چقدر با هم تفاوت دارد شما اگر بخواهید یک ملککی را که هزار تومان پول بدهید تا یک چنین ملککی را بشما بدهند و آن وقت همه ساله هم باید متحمل مخارج و زحمات فوق العاده بشوید و مواظبت های کافی بکنید تا اینکه بتوانید آخر سال آن هزار خروار را بدست بیاورید و این محصول را هم از قرار خرواری ده تومان ۱۲ تومان بفروشید آنها هم بشرط اینکه به مشکلاتی برخوردید.

حالا مثلاً در آذربایجان محصول و عواید خودشان را جمع کرده اند و در انبار خودشان گذاشته اند و میخواهند آن ها را بفروشند و بیک قسمت حسابی مخارج حمل کنند.

اینها بر میخورند بیک مشکل مهم که آن مشکل مهم این است که ما مورین مالیه و مأمورین دولت چون خودشان عواید خالصه دارند و میخواهند آنها را بفروشند این است که می آیند در انبار ها را قفل میکنند و مهر میزنند و اجازه نمی دهند که یک کعبه از جنس مسلاکین بفروش برسد.

حالا حساب بفرمائید ببینید یک سال که بگذرد از این گندم هائی که در انبار مانده است چقدر خسارت بصاحب ملک وارد می شود؟

البته خسارات و ضرر و نفع عاید اشخاص میشود.

ولی خسارت مالکین دائمی است زیرا یا همیشه اراضی آبش کم است یا این نوع خسارات دارد یا اینکه دزد میریزد

میچاپند یا الوار قارت میکنند و بالاخره این قبیل فضاها همیشه جاری است و حالا ما داریم یک وضعیت مناسبی پیدا می کنیم و الحمد لله از حیث امنیت کم کم دارد طوری می شود که دیگر نمیتوانند بچاپند.

اما در مسائل تجارتمی بنده از این مطالب نمیخواهم بطبقه تجاریک حمله شده باشد بلکه مقصودم مقایسه در یک امر تجارتمی وقتی ملاحظه بفرمائید می بینید یک تاجری که امروز صاحب هزار تومان سرمایه است با هزار تومان سرمایه بعد از ۵ سال دیگر اگر اقبالش مساعدت کند صاحب ۵ هزار تومان سرمایه میشود در صورتیکه مخارج زندگانیش را هم کرده.

این زندگانی از کجا گذشته؟ این برای این از او کاپیون و موقمی بدستش می آید استفاده میکنند یک وقتی یک توپ سوزن بکفرانی را در موقع جنگ بین المللی مثلاً ۱ قران یا ۲ قران بفروش میرساند البته یک اوقاتی هم هست که خسارت و ضرر میبرد ولی

عرض کردم باینکه ضرر و خسارت همیشه در عواید اشخاص پیدا می شود اما در مقام مقایسه اگر یک کسی سرمایه داشته باشد و بخواهد سرمایه خودش را بمصرف سود مندی برساند و از این طریق عایداتی حاصل از راه تجارت بهتر می تواند منافع پیدا نماید.

زیرا تجارت یک فوائد بی شماری را در بردارد که از املاک و اراضی خالصه در مملکت ما آن منافع بدست نمی آید و حساب این عرض بنده هم معلوم است زیرا ملک تومانی دو عباسی یا سه عباسی خیلی که ترقی کند یک قران بیشتر عایدی ندارد

مثلاً اگر کسی صد هزار تومان بدهد و یک ملککی را بخرد متوقع است که عایدی او در آخر سال هفت هشت هزار تومان باشد.

آقای سید محیی الدین - هفت هشت هزار تومان هم نیست **مشار اعظم -** خوب بنده برای این که می خواهم طرفداری هم نشده باشد این طور عرض می کنم

ولی از صد هزار تومان اگر کسی بخواهد از راه تجارت استفاده کند اگر شانس داشته باشد ممکن است صد هزار تومان در آخر سال انتفاع ببرد

حالا در این مطالبی که بعرض آقایان نمایندگان محترم رساندم می خواهم در آخر اینجمله را هم اضافه کنم که مسئله ملک داری در ایران هیچ استهزا ندارد که بایک اشاره خیلی لطیفی گفته شود.

شما مالکید و می خواهید طرفداری رعیت را بکنید

میچاپند یا الوار قارت میکنند و بالاخره این قبیل فضاها همیشه جاری است و حالا ما داریم یک وضعیت مناسبی پیدا می کنیم و الحمد لله از حیث امنیت کم کم دارد طوری می شود که دیگر نمیتوانند بچاپند.

اما در مسائل تجارتمی بنده از این مطالب نمیخواهم بطبقه تجاریک حمله شده باشد بلکه مقصودم مقایسه در یک امر تجارتمی وقتی ملاحظه بفرمائید می بینید یک تاجری که امروز صاحب هزار تومان سرمایه است با هزار تومان سرمایه بعد از ۵ سال دیگر اگر اقبالش مساعدت کند صاحب ۵ هزار تومان سرمایه میشود در صورتیکه مخارج زندگانیش را هم کرده.

این زندگانی از کجا گذشته؟ این برای این از او کاپیون و موقمی بدستش می آید استفاده میکنند یک وقتی یک توپ سوزن بکفرانی را در موقع جنگ بین المللی مثلاً ۱ قران یا ۲ قران بفروش میرساند البته یک اوقاتی هم هست که خسارت و ضرر میبرد ولی

عرض کردم باینکه ضرر و خسارت همیشه در عواید اشخاص پیدا می شود اما در مقام مقایسه اگر یک کسی سرمایه داشته باشد و بخواهد سرمایه خودش را بمصرف سود مندی برساند و از این طریق عایداتی حاصل از راه تجارت بهتر می تواند منافع پیدا نماید.

زیرا تجارت یک فوائد بی شماری را در بردارد که از املاک و اراضی خالصه در مملکت ما آن منافع بدست نمی آید و حساب این عرض بنده هم معلوم است زیرا ملک تومانی دو عباسی یا سه عباسی خیلی که ترقی کند یک قران بیشتر عایدی ندارد

مثلاً اگر کسی صد هزار تومان بدهد و یک ملککی را بخرد متوقع است که عایدی او در آخر سال هفت هشت هزار تومان باشد.

آقای سید محیی الدین - هفت هشت هزار تومان هم نیست **مشار اعظم -** خوب بنده برای این که می خواهم طرفداری هم نشده باشد این طور عرض می کنم

ولی از صد هزار تومان اگر کسی بخواهد از راه تجارت استفاده کند اگر شانس داشته باشد ممکن است صد هزار تومان در آخر سال انتفاع ببرد

حالا در این مطالبی که بعرض آقایان نمایندگان محترم رساندم می خواهم در آخر اینجمله را هم اضافه کنم که مسئله ملک داری در ایران هیچ استهزا ندارد که بایک اشاره خیلی لطیفی گفته شود.

شما مالکید و می خواهید طرفداری رعیت را بکنید

برای اینکه در ایران هیچ مؤسسه نیست که از راهای نگاهداری کند دولت که نگاهداری نمیکند.

بانکهای فلاحی و سایر موسسات خیریه هم نیست تا از راهای نگاهداری کند این حرفها که گفته میشود: دموکرات سوسیالیست طرفدار نخبه اینها هم همه یک رل سیاسی است و برای بودن مقامات است

یاسائی - اینطور نیست مردم مسلک دارند.

مشارع اعظم - خود بنده هم دارای یک عقایدی هستم که آن عقاید و افکار را در اینجا جرئت نمیکنم بگویم ولی این مسئله ربطی بموضوع ندارد البته هر کس یک مسلکی دارد

مقصود عرض بنده این است که اگر یک عقاید دموکراسی اظهار میشود فوراً برای این نیست که یک بانک فلاحی هم پشت سرش تأسیس شود.

شیروانی - پس برای چیست؟
مشارع اعظم - برای این هست ولی در عمل اینطور نیست. بهر حال تکرار این مطلب در اینجا خیلی مهم نیست و ممکن است برویم بیرون و قضیه را حل کنیم.

هجاتاً این مطلب در مجلس حل نمیشود و اینجا هم حاش نیست و موضوع خیلی طولانی و قابل بحث است

میخواهم عرض کنم که متأسفانه وضعیاتی گذشته طوری پیش آمد کرده است که در ایران مؤسسه‌ای که مردم می‌توانند از آنها یک استفاده‌های کاملی بکنند هنوز بوجود نیامده است

بنابراین بیک رعیتی که از یاد آمده یا بواسطه گاوگیری از یاد افتاده و یا مانده اش ضعیف شده و حتماً محتاج بکمک و استعانت است.

کسی نیست که یک کمک و حمایتی از او بکند و مؤسسه‌ای نیست که با او مساعدت کند.

در اینجا این نکته را هم باید در نظر گرفت که اگر یک ارباب یا یک مالکی در موقع وضع مالیات بر املاک از رعیتش حمایت میکند نباید خیال کرد که این حمایت مأخذ ندارد.

خیر این حمایت خیلی صحیح و بموقع است برای اینکه هر کس بدستگاه خودش هر چه باشد یک تملقات جبلی و طبیعی دارد.

مثلاً بکنفر خیاط به ماسوره چرخش علاقه مند است بسوزن و نخش هم علاقه مندی است همینطور شاگردش هم علاقه دارد و یا او را کتک هم میزند و روزی ده شاهی بیشتر باو نمیدهد

معدنك وقتي شاگردش مريض ميشود باز مضطرب مي شود و على اجمال اين علاقه براي او هست.

حالا نمیخواهم بگویم در اینجا این علاقه که اظهار میشود تنها از لحاظ فتوت است؟ خیر.

برای منفعت شخص خودش است. پس اگر وقتی یک مالکی از رعیتش حمایت میکند اینرا نباید بر خلاف حقیقت فرض کرد.

البته حقیقت دارد زیرا منفعت خودش هم در کار است ملاحظه فرمائید. کار ملک را کی میکند؟ کار ملک را سنگی که در روی زمین است نمیکند.

آب هم اگر بنا شود بخودی خود جریان پیدا کند و تمرکز پیدا کند که باطلان می شود.

در باطلان هم که زراعت نخواهد شد.

پس همه اینکارها بارعیت است و از است که حقیقتاً عضو اصلی و ارکان مهم زراعت است

و ممکن نیست مالک بدون وجود رعیت اینکارها را بکند یا استفاده ببرد

پس قهراً مالک بر رعیت علاقه مند است و از اینجهت است که همیشه سعی میکند و زحمت میکشد که رعایای ملک مجاور را به ملک خودش بیاورد و بلکه گاهی هم زحمت میکشد و از نقاط بعیده مملکت تحصیل می کند

و در اینراه هم پول هائی خرج میکنند و خرجی باو میدهد

میگوید بر وفلان طور وفلان شکل کار کن وفلان طور هم استفاده ببرد وقتی که تشویق بشوند و اطمینان داشته باشند باینکه از زحمات آنها ممکن است نتایج مهمه بدست آید البته بیشتر جدیت خواهند کرد اگر حمایتی هم از رعیت می کنند حقیقت دارد و بر خلاف حقیقت نیست.

در این باب نمیخواهم بیشتر از این چیزی عرض کنم.

حالا وارد میشویم در اصل قضیه که قانون ممیزی باشد.

اولا باید دانست که چه شد این فکر (قانون ممیزی) در وزارت مالیه پیدا شد هلش این بود که بواسطه انقلابات و خرابیهای عمده که در مملکت روی داد ملاکین و رعایا همه بصداء درآمدند و عرض حال های متعدد و مکرر بوزارت مالیه و ریاست وزراء و سایر مقامات عالیه فرستادند و تظلم کردند که این مالیاتی که امروزه از ما گرفته میشود بهیچوجه متناسب باهوائد امروزه ما نیست.

و اگر یک ملک در سال پنجاه خروار

مالیات بده بود برای این بود که به همان تناسب عایدی داشت.

ولی امروزه اینطور نیست و املاک ما بواسطه خرابیهای زیاد و تاخت و تازهای متوالی و سایر اغتشاشات مملکتی قدرت پرداخت این مالیاتها را ندارد و محتاج به بین است که در آنها یک دقتی کنیم و ببینیم باز هم املاک ما باید همین مالیات را بدهد؟

این قضیه ناشی از خود ملاکین شد که از دولت درخواست کردند که بیاید املاک آنها را ممیزی کند و از روی عدالت از آنها مالیات بگیرد.

این مسئله در یکی دو نقطه وقوع پیدا کرد.

مثلاً در قزوین و قسمتی از همدان و شاید همینطور در گیلان که آمدند و یک دقت هائی کردند و پس از آن دقت ها یک تعدیلاتی هم در بعضی جاها شد و اینجامثل قضیه متظلمی شده است که رفت پیش حاکم و گفت اموال مرا در بین راه دزد برده و مرا غارت کرده است خودش را گرفتند و حبس کردند بجای این که دزدش را تعقیب کنند به او گفتند نشانه دزد را بده و نگذاشتند بیرون برود.

حالا در وضع این قانون ممیزی هم دارد رفته رفته طوری بروز احساسات می شود که خود آنها هائی که شکایت داشته اند از ممیزی قدیم و تقاضای ممیزی جدید داشته اند می اندازد.

منشأ و مبدأ وضع این قانون بواسطه این بوده است که تعدیلی در مالیاتها شود و در کمیسیون هم که ما از خود دولت سؤال کردیم.

خودش معتقد بود که مقصود از وضع قانون ممیزی این نیست که حالا عواید دولت باضامف مضاعف بالا برود بلکه مقصود این بوده است که از روی عدالت مالیات گرفته شود.

مثلاً اگر کسی مالیات زیادی می پرداخته نبرد از او اگر یک اشخاصی املاک تازه آباد کرده اند یا املاک قدیمشان ترقی کرده بنسبت عواید بیشتر بپردازند که عدالت کم نشده باشد و مقصود غیر از این چیز دیگری نبوده

بنابراین البته آقایان نمایندگان محترم هم در نظر خواهند گرفت که در تصویب این قانون بایستی رعایت این مسائل کماو کیفاً بشود و نباید هیچکدام از نظر محو شود و در این قانون این مسائل را البته باید در نظر بگیرند.

ولایعه ای را هم که دولت آورد دال بر این نبود که مالیات را میخواهد از کل عواید ملک بگیرد و توضیح هم نکرده بود که من این مالیاتی را که میخواهم بگیرم منظورم این است که از خرمن بردارم بدون اینکه توجه داشته باشد که طرز تقسیم

ارباب و رعیتی ارچه خواهد بود در آن تقسیم آری مالیات بردوش رعیت هم وارد میشود یا خیر؟

و بعضی از آقایانی که در کمیسیون عضویت دارند سابقه دارند و آقایان دیگر هم در کمیسیون دعوت شدند و معلوم شد که دولت در ارسال لایحه اولی یک تحقیقان جامعی نسبت بتقسیمات ارباب و رعیتی و سایر مسائل مربوط بملک نکرده بود.

بنابراین چون دولت هم متذکر شد که لازم است در این قضایا بین تحقیق بکنید از ایالات و ولایات و اطراف یک تحقیقاتی هم کردند و مطالعه شد یک مطالعات هم به جدول هائی که در کمیسیون آوردن بوردند نمودند

در آنجا نرخ اولیه که بنظر دولت آمده بود بنظر همه زیاد آمد و خود دولت هم معتقد شد که آن نرخ خیلی زیاد بود و آن میزان ایالتی بود و موافق شدند با تنزلی در آنها بدهند اما باز هم در آنجا یک اختلاف نظر دیگری بود و آن این بود که در صورتی که خود دولت هم راضی نخواهد بود باینکه مالیات بر سهم رعایا تنزیل یابد باید از سهم ارباب گرفته شود و هر چه گرفته میشود ارباب مؤدی مالیات باشد زیرا رعایا استطاعت و توانائی پرداخت مالیات را ندارند.

در کمیسیون این مسئله بیک مارطول کشید و همه اش هم در ماده اول در همین موضوع اختلاف نظر شدیدتر و بعضی می گفتند چه عیب دارد که مالیات را از کل عایدات بگیریم و از سهم ارباب بگیریم جمع هم معتقد بودند که مالیاتی که گرفته می شود خوب است از سهم خود ارباب ملک یعنی از عایدات ارباب ملک باید گرفته شود و رعایا که هزارها مردم از این قبیل هستند از آنها چیزی نگیریم و آنها را بگذاریم بعیاید خودشان زندگانی کنند چو عایدی آنها خیلی کم هست و حقیقتاً از درست نمیتوانند زندگانی کنند چو عایدی آنها خیلی کم هست و حقیقتاً با آن درست نمیتوانند زندگانی کنند و گفتند حتماً باید از عایدی ملک گرفت حالا لازم میشد در این باب یک محاسبه صحیح و جمع خرخ بشود و ببینیم اگر عشر عایدی ملک بگیرند یا بر کلا املاک پورسانتاز کنند و از عایدی ملک بگیرند صرفه اش کدام بیشتر است و عوایدش کدام یکی زیادتر است.

در این موقع یکساعت و ربع قبل از ظهر جلسه تعامیل دیگر تشکیل نگردید

رئیس مجلس شورای ملی
هو تمن الملك
منشی - علی اقبال الممالک
منشی - معظم السلطان
جلسه ۱۳۶

صورت مشروح مجلس
یوم شنبه بیست و پنجم
دلو ۱۳۰۳ مطابق بیستم شهر
رجب المرجب ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید.

صورت مجلس یوم سه شنبه بیست و یکم
را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت

مهمه نمایندگان)
مشارع اعظم - چه فرمودید؟
روحی - فارسی فرمائید
مدرس - رشتی فرمائید
مشارع اعظم - مقصودم این بود که

کنند ببینند کدام یک از این دو قسم دولت انفع است و از کدام طریق دولت

بیشتر عایدات خواهد داشت مقصودم همین بود در اینجا حسابهای در کار آمد و جمع و خرجی ترتیب دادند و حسابهای تنظیم کردند یکدسته از نمایندگان محترم معتقد هستند که اگر از عایدات ملک عشر گرفته شود در نتیجه بیشتر خواهد شد از آن عایدات که در آنجا یک تحقیق بکنید از ایالات و ولایات و اطراف یک تحقیقاتی هم کردند و مطالعه شد یک مطالعات هم به جدول هائی که در کمیسیون آوردن بوردند نمودند

در نتیجه بیشتر خواهد شد از آن عایدات که در آنجا یک تحقیق بکنید از ایالات و ولایات و اطراف یک تحقیقاتی هم کردند و مطالعه شد یک مطالعات هم به جدول هائی که در کمیسیون آوردن بوردند نمودند

بیشتر عایدات خواهد داشت مقصودم همین بود در اینجا حسابهای در کار آمد و جمع و خرجی ترتیب دادند و حسابهای تنظیم کردند یکدسته از نمایندگان محترم معتقد هستند که اگر از عایدات ملک عشر گرفته شود

در نتیجه بیشتر خواهد شد از آن عایدات که در آنجا یک تحقیق بکنید از ایالات و ولایات و اطراف یک تحقیقاتی هم کردند و مطالعه شد یک مطالعات هم به جدول هائی که در کمیسیون آوردن بوردند نمودند

در آنجا نرخ اولیه که بنظر دولت آمده بود بنظر همه زیاد آمد و خود دولت هم معتقد شد که آن نرخ خیلی زیاد بود و آن میزان ایالتی بود و موافق شدند با تنزلی در آنها بدهند اما باز هم در آنجا یک اختلاف نظر دیگری بود و آن این بود که در صورتی که خود دولت هم راضی نخواهد بود باینکه مالیات بر سهم رعایا تنزیل یابد باید از سهم ارباب گرفته شود و هر چه گرفته میشود ارباب مؤدی مالیات باشد زیرا رعایا استطاعت و توانائی پرداخت مالیات را ندارند.

در کمیسیون این مسئله بیک مارطول کشید و همه اش هم در ماده اول در همین موضوع اختلاف نظر شدیدتر و بعضی می گفتند چه عیب دارد که مالیات را از کل عایدات بگیریم و از سهم ارباب بگیریم جمع هم معتقد بودند که مالیاتی که گرفته می شود خوب است از سهم خود ارباب ملک یعنی از عایدات ارباب ملک باید گرفته شود و رعایا که هزارها مردم از این قبیل هستند از آنها چیزی نگیریم و آنها را بگذاریم بعیاید خودشان زندگانی کنند چو عایدی آنها خیلی کم هست و حقیقتاً از درست نمیتوانند زندگانی کنند چو عایدی آنها خیلی کم هست و حقیقتاً با آن درست نمیتوانند زندگانی کنند و گفتند حتماً باید از عایدی ملک گرفت حالا لازم میشد در این باب یک محاسبه صحیح و جمع خرخ بشود و ببینیم اگر عشر عایدی ملک بگیرند یا بر کلا املاک پورسانتاز کنند و از عایدی ملک بگیرند صرفه اش کدام بیشتر است و عوایدش کدام یکی زیادتر است.

در این موقع یکساعت و ربع قبل از ظهر جلسه تعامیل دیگر تشکیل نگردید

رئیس مجلس شورای ملی
هو تمن الملك
منشی - علی اقبال الممالک
منشی - معظم السلطان
جلسه ۱۳۶

صورت مشروح مجلس
یوم شنبه بیست و پنجم
دلو ۱۳۰۳ مطابق بیستم شهر
رجب المرجب ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید.

صورت مجلس یوم سه شنبه بیست و یکم
را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت

مهمه نمایندگان)
مشارع اعظم - چه فرمودید؟
روحی - فارسی فرمائید
مدرس - رشتی فرمائید
مشارع اعظم - مقصودم این بود که

کنند ببینند کدام یک از این دو قسم دولت انفع است و از کدام طریق دولت

بیشتر عایدات خواهد داشت مقصودم همین بود در اینجا حسابهای در کار آمد و جمع و خرجی ترتیب دادند و حسابهای تنظیم کردند یکدسته از نمایندگان محترم معتقد هستند که اگر از عایدات ملک عشر گرفته شود در نتیجه بیشتر خواهد شد از آن عایدات که در آنجا یک تحقیق بکنید از ایالات و ولایات و اطراف یک تحقیقاتی هم کردند و مطالعه شد یک مطالعات هم به جدول هائی که در کمیسیون آوردن بوردند نمودند

در آنجا نرخ اولیه که بنظر دولت آمده بود بنظر همه زیاد آمد و خود دولت هم معتقد شد که آن نرخ خیلی زیاد بود و آن میزان ایالتی بود و موافق شدند با تنزلی در آنها بدهند اما باز هم در آنجا یک اختلاف نظر دیگری بود و آن این بود که در صورتی که خود دولت هم راضی نخواهد بود باینکه مالیات بر سهم رعایا تنزیل یابد باید از سهم ارباب گرفته شود و هر چه گرفته میشود ارباب مؤدی مالیات باشد زیرا رعایا استطاعت و توانائی پرداخت مالیات را ندارند.

در کمیسیون این مسئله بیک مارطول کشید و همه اش هم در ماده اول در همین موضوع اختلاف نظر شدیدتر و بعضی می گفتند چه عیب دارد که مالیات را از کل عایدات بگیریم و از سهم ارباب بگیریم جمع هم معتقد بودند که مالیاتی که گرفته می شود خوب است از سهم خود ارباب ملک یعنی از عایدات ارباب ملک باید گرفته شود و رعایا که هزارها مردم از این قبیل هستند از آنها چیزی نگیریم و آنها را بگذاریم بعیاید خودشان زندگانی کنند چو عایدی آنها خیلی کم هست و حقیقتاً از درست نمیتوانند زندگانی کنند چو عایدی آنها خیلی کم هست و حقیقتاً با آن درست نمیتوانند زندگانی کنند و گفتند حتماً باید از عایدی ملک گرفت حالا لازم میشد در این باب یک محاسبه صحیح و جمع خرخ بشود و ببینیم اگر عشر عایدی ملک بگیرند یا بر کلا املاک پورسانتاز کنند و از عایدی ملک بگیرند صرفه اش کدام بیشتر است و عوایدش کدام یکی زیادتر است.

در این موقع یکساعت و ربع قبل از ظهر جلسه تعامیل دیگر تشکیل نگردید